

بررسی ریشه‌های بدحجابی در جامعه ما و ارائه راهکارها

ام‌البنین عابدیان^۱

چکیده

«حجاب و عفاف» در قاموس بشری، واژه‌های آشنایی هستند که در گذر زمان از سنت به سوی مدرنیته، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است. در این میان مردان و زنان (به خصوص زنان) در مسیر تندباد حرکت به سوی مدرنیسم، در معرض برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی قرار گرفتند تا در توسعه سرمایه‌داری نقش خویش را ایفا کنند. نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف» که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، در عصر برهنگی، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش‌های فطری جامعه انسانی است که سلامت، امنیت، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع می‌سازد؛ و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است، مبانی و ریشه و راه‌های این حقیقت را می‌توان از بطن قرآن و روایت‌های اصیل اسلامی به دست آورد. از این‌روی در این مقاله «بررسی ریشه‌های بدحجابی در جامعه ما و ارائه راهکارها» مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق به صورت تحلیل محتوایی است که به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. امید است این تحقیق در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه و مدارس‌مان تأثیرگذار باشد.

کلیدواژگان: ریشه، بدحجابی، جامعه، عوامل فردی و اجتماعی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

پوشش نامناسب ناشی از مواردی از جمله ضعف ایمان، چشم و هم‌چشمی است که آسیب‌ها و تبعات جدی به دنبال دارد و می‌بایست با شناخت دقیق ابعاد و ریشه‌های آن برای زدودن جامعه از این مشکل فعالیت کرد. ایران کشوری اسلامی است که همین اسلامی بودن شرایط و ضوابط خاصی را در ابعاد مختلف می‌طلبد تا اسلامی بودن از حالت اسمی خارج و این مؤلفه به شکل‌های مختلف نمایان باشد. بهره‌مندی از پوشش اسلامی یکی از مصادیق جامعه اسلامی است، حجاب و عفاف به عنوان یک ارزش همواره برای مردم ایران زمین مهم و مورد توجه جدی بوده است. یکی از عواملی که پیروزی انقلاب اسلامی را رقم زد، گسترش بی‌عفتی و بی‌بندوباری در جامعه بود و فعالیت‌های پس از انقلاب به سمتی بود که این معضل برطرف شده و عفت عمومی همراه با رعایت زینده حجاب همگانی شود. آنچه طی چند سال اخیر به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده، پوشش نامناسب است که بسیار خودنمایی کرده و از عوامل بروز ناهنجاری‌هایی نیز هست و به همین دلیل هیچ بدحجابی نمی‌تواند ادعا کند مسئله موضوعی کاملاً شخصی است.

جایگاه آراستگی و پوشش مناسب

در مورد جایگاه آراستگی همین جمله کافی است که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» (صافات/۶) ما آسمان نزدیک [= پایین] را با ستارگان آراستیم. همان‌طور که از این آیه استفاده می‌شود خداوند ستارگان را زینت‌های آسمان قرار داده و از آن با عنوان نعمت یاد می‌کند. بنابراین زینت فی‌نفسه امری مذموم و ناپسند نیست. لذا خداوند در خلقت آسمانها و زمین از زینت استفاده نموده است. همچنین بهره‌گیری از زینت را برای مسلمانان مجاز دانسته و آن‌ها را به آراستگی فرا می‌خواند و نظر کسانی را که به غلط، آراستگی و زینت را با دین و آموزه‌های ناب آن در تضاد می‌پندارند، مردود می‌شمارد: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (اعراف/۳۲) «ای رسول! بگو چه کسی زینت خدا را که برای بندگان خود بیرون آورده و نیز روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو این برای کسانی است که ایمان آورده‌اند.»

در سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌آمه است که هرگاه ایشان قصد خروج از خانه یا پذیرفتن کسی را داشت، موی سر خود را شانه می‌زد، سر و وضع خود را مرتب می‌کرد، خویشتن را می‌آراست و برای آنکه تصویر خود را ببیند، در ظرف آبی می‌نگریست. وقتی سبب این کار را می‌پرسیدند، می‌فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَيَتَجَمَّلَ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، چاپ اول، ج ۲، ص ۷۷۴). خداوند متعال دوست دارد که بنده‌اش چون به سوی برادران خود بیرون می‌رود خود را برای آن‌ها منظم کند و خود را بیاراید و زیبا سازد.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که خود در غایت زهد و ساده زیستی بود، هرگز سهل‌انگاری در آراستگی و آراسته بودن را روا نمی‌دانست. روایتی از آن حضرت نقل شده که نشان می‌دهد رفاقت و صمیمیت و خویشاوندی نباید باعث کوتاهی در این امر شود. آن حضرت فرمود:

«لَيْتَزَيْنَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَمَا يَتَزَيْنُ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يَحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ الْهَيْئَةِ.» (مجلسی محمد باقر؛ ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰، ص ۹۱)

هر یک از شما برای برادری که به دیدنتان آید خود را بیارائید چنانکه برای بیگانه‌ای مایلید در بهترین قیافه شما را ببیند، زینت می‌کنید.

البته باید به این نکته هم توجه داشت که در این امر نباید از حد افراط و تفریط بیرون رفت. از اینرو، مرزهایی برای آن بیان شده است، مثلاً در فقه پوشیدن لباس شهرت، خود را در پوشش، شبیه کافران در آوردن و پوشش، با هدف فتنه‌انگیزی و ... جایز دانسته نشده است. بر این اساس، همان‌طور که آراستگی حلال و شایسته موجب استحکام و ایجاد نشاط و سلامت در ارتباطها می‌شود، آراستگی ناشایست و حرام، با این امور منافات دارد و موجب مفسده برای فرد و جامعه می‌شود.

ریشه‌های بی‌حجابی

برای بی‌حجابی، دلایل بسیاری را می‌توان برشمرد. این عوامل را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به بیولوژیکی یا روانی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تقسیم کرد. به عبارت دیگر، این پدیده را با ارجاع به چهار دسته عامل یاد شده به پنج صورت می‌توان تبیین کرد. از آن‌جا که ملاک تبیین، بیان ارتباط علی و معلولی (تعلیل) میان پدیده‌هاست، نوع تبیین تابع نوع علت خواهد بود. برای مثال، اگر علت از سنخ امور فرهنگی باشد، تبیین نیز فرهنگی خواهد بود. اکنون این موارد را برمی‌شماریم:

۱- بیولوژیکی یا روانی

عوامل بیولوژیکی یا روانی، به زمینه‌های زیستی و خواسته‌های طبیعی فرد گفته می‌شود که معمولاً میان افراد مشترک است. از جمله زمینه‌های بیولوژیکی مرتبط با مقوله پوشش می‌توان از میل به خودنمایی، تزیین، تجمل، خودآرایی، تمایل شدید به جلب توجه دیگران به ویژه در دوره جوانی، به رخ کشیدن زیبایی‌ها، میل به برانگیختن احساسات مثبت دیگران، کسب آرامش و امنیت در پرتو تحسین و تمجید دیگران، لذت جویی، میل به تظاهرات جنسی و جلب جنس مخالف، نیاز به ابراز وجود و متمایز نشان دادن خود و امیال مشابه نام برد. بدیهی است این سنخ تمایل‌ها هم چون دیگر تمایل‌های طبیعی، در پرتو فرهنگ و نظام ارزشی جامعه، شکل و جهت می‌یابند و در مجاری و قالب‌های خاصی جلوه گر می‌شوند. به عبارت دیگر، این تمایل‌ها در پرتو ترکیب طبیعت و فرهنگ، سامان خواهند یافت.

استاد مرتضی مطهری در توضیح این گونه تمایلات می‌نویسد:

... زن همیشه می‌خواهد مطلوب و معشوق مرد باشد. جلوه‌گری‌ها، دل‌بری‌ها و خودنمایی‌های زن همه برای جلب نظر مرد است. زن آن قدر که می‌خواهد مرد را عاشق دل‌خسته خویش کند، طالب وصال و لذت جنسی نیست... زن، مظهر جمال و مرد، مظهر شیفتگی است... تمایل مرد به نگاه کردن و چشم‌چرانی است، نه به خودنمایی و برعکس، تمایل زن بیشتر به خودنمایی است، نه به چشم‌چرانی... و به همین جهت، تبرج از مختصات زنان است. (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱۹، ص ۴۱۵)

بی‌گمان یکی از گونه‌های جلوه‌نمایی در نوع پوشش است. عوامل بیولوژیکی و روانی بی‌حجابی را می‌توان چنین برشمرد:

۱- احساسگرایی خام

برخی نظریه‌های روان‌شناختی انحراف، انحراف‌ها و کج‌روی‌های افراد به ویژه جوانان را ناشی از اراده و تصمیم آگاهانه به هنجارشکنی، میل به برانگیختن واکنش‌های جمعی، پشت‌پا زدن به سنت‌های اجتماعی یا تلاش برای جای‌گزینی ارزش‌های فرهنگی نمی‌دانند، بلکه بیشتر نشانه احساس‌گرایی خام، هواخواهی، خودنمایی، لذت‌جویی و امثال آن می‌دانند. (نمی‌توان تصور کرد که انسان همیشه به شکل عقلانی، اعمالی را انتخاب کرده و انجام می‌دهد. می‌توان موارد زیادی از انحراف را در نظر گرفت که محاسبه و انتخاب سود و زیان در آن مطرح نیست. افراد ممکن است تحت تأثیر احساسات لحظه‌ای یا عوامل غیر عقلانی مرتکب جرم و جنایت شوند. به طور قطع می‌توان گفت که رفتار انسان از پیچیدگی زیادی برخوردار است. (ممتاز، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷).

۲- اختلال شخصیت نمایشی

یکی از نظریه‌های روان‌شناختی انحراف، نظریه موسوم به (اختلال شخصیت نمایشی) است. افراد مبتلا به این بیماری خواهان جلب توجه دیگران نسبت به خود هستند. آنان معمولاً مبتکر، نمایش‌گر، سرزنده و اغواگرند. مهم‌ترین ویژگی مبتلایان به این اختلال، تمایل شدید به خودنمایی و جلب توجه است و برای تأمین این هدف، به کارهای غیرعادی از جمله پوشیدن لباس‌های عجیب و جذاب، آرایش‌های تند و نامتعارف و ژست‌های نمایشی خاص دست می‌زنند. عواطف این افراد به شدت نمایشی و اغراق‌آمیز است. آن‌ها شیفته مدهای جدید بوده و علاقه‌مندند تغییرهای جدید را تجربه کنند، بی‌آن‌که واقعاً به این تغییرها نیازی داشته باشند. این نوع اختلال شخصیتی، هرچند با جلوه‌نمایی‌های متفاوت، میان زنان و مردان مشترک است و معمولاً در پایان دوره نوجوانی و اوایل دوره جوانی نمود و تظاهر بیشتری می‌یابد. (ستوده، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱). بر اساس این نظریه، دوشیزگان و بانوان جوانی که پیاپی و در راستای ارضای تمایل

سیری ناپذیر خود به نوگرایی و تنوع خواهی، به استقبال الگوهای نورس می‌روند و مایل‌اند همواره خود را در قالب فرم‌ها و نقاب‌های جدید عرضه کنند، دچار اختلال شخصیتی هستند.

۲- فرهنگی

تبیین بی‌حجابی هنگامی فرهنگی خواهد بود که (علل) (متغیرهای مستقل) یا فرآیند (زنجیره متغیرهای مستقل به علاوه متغیرهای میانجی و واسطه‌ای) این پدیده همگی از سنخ فرهنگ (معانی نمادین هم چون باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها و ... باشند. به عبارت دیگر، تبیین فرهنگی به ایده‌ها و انگیزه‌های کنش‌گران و مفاد معنوی یا فرهنگی آن‌ها (مثل مذهب و ایدئولوژی) و در یک کلام، با ذهنیت کنش‌گران اجتماعی کار دارند. امور فرهنگی هرچند ذهنی‌اند، شخصی و فردی نیستند و نقش‌آفرینی نمادین آن‌ها که لازمه ارتباط و تعامل میان افراد است، بر اجتماعی بودنشان دلالت دارد.

۱- جامعه‌پذیری ضعیف یا ناهمگون

اساس جامعه‌پذیری بر این واقعیت استوار است که انسان به صورت کانونی از استعدادها و سرمایه‌های وجودی بالقوه به دنیای اجتماعی پا می‌گذارد و از راه تعامل مستمر با محیط و درون‌ریزی مجموعه‌ای از باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، خواسته‌ها، آرمان‌ها، هدف‌ها، رسوم، قواعد و هنجارها از طریق کارگزاران ویژه هم چون خانواده، گروه‌های دوستی، محیط‌های آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، محیط‌های کاری، مطبوعات، کانون‌های مذهبی و مانند آن، به تدریج به انسانی بالفعل تبدیل می‌شود. این فرآیند تعطیل ناپذیر، از اولین مراحل زندگی آغاز می‌شود و تا پایان عمر ادامه خواهد داشت. جامعه‌پذیری، دو فرآیند مکمل یعنی انتقال میراث فرهنگی اجتماعی و رشد و تکامل شخصیت فردی را دربرمی‌گیرد. جامعه‌شناسان، بسیاری از انحراف‌های اجتماعی را به کاستی‌ها و ضعف این فرآیند مهم شخصیت‌ساز مستند می‌دانند. بدون شک، بدحجابی دختران و زنان در سن بالا نیز در نارسایی‌های این فرآیند و القاهای محیط خانواده، دوستان، محیط‌های آموزشی، رسانه جمعی و محیط عمومی ریشه دارد.

رسوبات فرهنگی به جا مانده از اعمال سیاست‌های دستوری ناسنجیده گذشته هم چون قضیه کشف حجاب و سیاست‌های رژیم طاغوت برای گسترش و نهادینه کردن آن در ذهنیت فرهنگی و اصرار برخی علاقه‌مندان به پاس داشت و استمرار آن از طریق پیوسته‌های میان نسلی نیز در این زمینه نقش داشته است. اجرای این سیاست تخریبی در یک دوره چهار ساله آن هم با انگیزه‌های کینه توزانه، موقعیت حجاب را به شدت تضعیف کرده است.

محمود جم، وزیر کشور کابینه محمدعلی فروغی در خاطرات خود به نقل از رضاشاه پهلوی می‌نویسد:

این چادر و چاقچورها را چه طور می‌شود از بین برد؟ دو سال است که این موضوع، فکر مرا به خود مشغول داشته. از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آن‌ها را دیدم که پیچه و حجاب را دور انداخته و دوش به دوش

مردها کار می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری بود، بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور، دشمن ترقی و پیشرفت مردم ماست. درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط با آن نشتر زد و از بینش برد. من مدتی است به این فکر هستم که زن ایرانی در قفس سیاه دست و پایش بسته است. بین او و مرد یک دریا فاصله وجود دارد. باید این فاصله را از بین ببریم. مگر زن چی از مرد کمتر دارد. او باید پایه پای مرد وارد زندگی شود... (شریعت‌پناهی، ۱۳۸۵ ص ۲۹۲)

۲- القاهای فرهنگی مسموم دشمنان

ترسیم تصویر یک مسلمان محجبه، یکی از رایج‌ترین شیوه‌های رسانه‌های غربی برای مشکل دار معرفی کردن اسلام است... با نگاهی اجمالی به سخنان غربی‌ها در مورد حجاب می‌توان دریافت که آن‌ها معتقدند حجاب، نشانه ظلم اسلام به زنان است... با نگاهی گذرا به نوشته‌های غربی‌ها می‌بینیم که آن‌ها برای توصیف حجاب زنان مسلمان از واژه‌هایی چون (کفن)، (لباس مزور) و (حجب و حیای سیاه) استفاده می‌کنند. به طور کلی، واکنش‌های غرب نسبت به حجاب در یکی از دو دسته زیر قرار می‌گیرد؛ دسته اول، تفسیری کینه توزانه از حجاب [است] که آن را نشانه آشکار ظلم اسلام به زنان می‌داند و دسته دوم، دیدگاهی خیال پردازانه است که حجاب را جزئی از سنن بیگانه شرقی می‌داند که خواهان فروکش کردن لذت جنسی است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ص ۳۲۲)

۳- کم رنگی تعلق به فرهنگ خودی و توجه بیشتر به دیگر فرهنگ‌ها

تغییر لباس همواره پی آمد تغییر یک فرهنگ است و انسان تا با فرهنگ خود وداع نکند، نمی‌تواند با لباس خود وداع کند [و] تا فرهنگ یک قوم را نپذیرد، لباس آنان را به تن نمی‌کند. درست به همین دلیل است که در احادیث ما آمده است که (من تشبّه بقوم فهو منهم)؛ هر که خود را به گروهی شبیه سازد، هم از آن گروه است). لباس هر انسان، پرچم کشور وجود اوست. پرچمی است که او بر سر در خانه وجود خود نصب کرده است و با آن اعلام می‌کند که از کدام فرهنگ تبعیت می‌کند، هم چنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز می‌کند. هر انسان نیز مادام که به یک سلسله ارزش‌ها و بینش‌ها، معتقد و دل بسته باشد، لباس متناسب با آن ارزش‌ها و بینش‌ها را از تن به در نخواهد کرد. (حدادعادل، ۱۳۷۹، ص ۴۰)

بدحجابی از نظر قرآن کریم

خداوند در آیه‌ای از قرآن مجید، حکم و حکمت حجاب را چنین بیان می‌کند: یا ایها النبیُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ یَدْنِينَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْبِهِنَّ ذَلِكُمْ أَذْنٰی أَنْ یَعْرِفْنَ فَلَ یُؤْذِنَ وَ كَانَ اللّٰهُ عَفُوْرًا رَحِیْمًا. (احزاب: ۵۹) ای پیامبر! به زنان و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که روسری‌های بلند خود را بر خویش فروافکنند که این کار برای اینکه آن‌ها (به عفت) شناخته شوند تا از تعریض و جسارت (هوس‌رانان) آزار

نکشند، بسیار بهتر است و خدا در حق خلق، آمرزنده و مهربان است. حفظ پاک‌دامنی، منحصر به پوشش نیست، بلکه زن باید از هر گونه رفتاری که سبب تحریک و طمع‌ورزی هوس‌رانان می‌شود، به شدت بپرهیزد. برای نمونه، خداوند حتی نرمش در سخن گفتن را که سبب تحریک و گناه است، نفی می‌کند. همچنین خداوند در قرآن، "تبرج"؛ یعنی آرایش برای خودنمایی را نکوهیده و آن را به جامعه جاهلی نسبت داده و فرموده است: و لَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى. (احزاب: ۳۳) و خود را همانند زینت‌نمایی روزگار جاهلیت پیشین، زینت‌نمایی نکنید. در حقیقت، آنچه مردان را تهییج می‌کند، سه چیز است: زیبایی، زیور و حرکت‌های اغوا کننده که در قرآن مجید، به تبرج تعبیر شده است.

تأثیر حیا، بر پوشش بانوان

امام علی علیه‌السلام حیا را زیباترین لباس دنیا می‌داند و می‌فرماید: "أَحْسَنُ مَلَابِسِ الدُّنْيَا الْحَيَاءُ؛ حیا، زیباترین جامه دنیاست." (محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ح ۴۵۴۴) خداوند در قرآن مجید هنگام بازگویی داستان دختران شعیب و حضرت موسی علیهم‌السلام، می‌فرماید: "جَاءَتْ أَحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ؛ یکی از آن دو دختر در حالی که باحیا راه می‌رفت، آمد." (قصص: ۲۵) در دیگر ادیان نیز بر حیا تأکید شده است: در انجیل، کتاب مقدس مسیحیان، آمده است: "و زنان نیز به لباس مزین به حیا و پرهیز، خود را بیارایند." آری زینت‌یابی به زیور حیا، نوعی آراستگی به صفات الهی است؛ زیرا یکی از صفات کمالی خداوند، حیاست، چنان که امام محمدباقر علیه‌السلام می‌فرماید: فَاِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي وَيُحِبُّ اَهْلَ الْحَيَاءِ. (من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۰۶) خداوند صاحب عزت و جلال، کریمی است که حیا می‌کند و اهل حیا را دوست دارد.

با نگاهی گذرا به مباحث پیش گفته، می‌توان مهم‌ترین عوامل بی‌حجابی را در محورهای زیر جست‌وجو کرد.

۱. ضعف ایمان

عمل به آموزه‌های الهی جز در پرتو ایمان و آگاهی میسر نخواهد شد. بنابراین، کسانی که در اعتقاد به خداوند و ضرورت دستورات دینی تردید دارند و قلب آن‌ها در ایمان به خداوند و محاسبه روز جزا به مقام اطمینان نرسیده است، در عمل به دستورهای الهی نیز تسامح می‌ورزند. این افراد که به ضرورت حجاب آن‌گونه که باید و شاید پی نبرده‌اند، در پای‌بندی به آن نیز از خود ضعف و سستی نشان می‌دهند.

۲. هوس‌رانی:

برخی زنان برای ارضای هوس‌رانی خود، به تنوع پوشش، آرایش و زینت بسیار اهمیت می‌دهند و بهترین اوقات خود را به حضور در محیط‌های تجارتي و تفریحی و مهمانی‌های مفسده‌انگیز می‌گذرانند. این دسته

از بانوان بدون تفکر و تعقل مانند اشیای بی‌اراده به کارهایی دست می‌زنند که هیچ‌گونه فایده‌ای برای آن‌ها ندارد و از این رهگذر، آسیب‌های جدی متوجه آنان می‌شود.

۳. جلب توجه دیگران

آدمی می‌خواهد در جامعه، جایگاه ویژه‌ای داشته باشد که چنین جایگاهی گاه به‌صورت حقیقی و گاه به‌صورت مجازی و کاذب به‌دست می‌آید. جایگاه حقیقی را با دانش و فضایل اخلاقی می‌توان به‌دست آورد، ولی برخی زنان که از چنین ارزش‌هایی محروم هستند، با نمایش زیبایی‌ها و جاذبه‌های طبیعی زنانگی خود به‌دنبال جلب توجه دیگران هستند و می‌کوشند کمبودهای کمالی خود را از این راه جبران کنند، غافل از اینکه بی‌حجابی، تنها توجه بیماردلان را به زن جلب می‌کند که خود، کمترین اعتباری ندارند. (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۱۵۰)

۴. دگرآزاری

بعضی از زنان که عقده دگرآزاری دارند، با خودآرایی می‌کوشند تمایلات مردان را برانگیزند، ولی بی‌پاسخ بگذارند. این حرکت، مردان را عقده‌مند می‌سازد و در مقابل، زنان سادیسمی از این حرکت خود لذت می‌برند.

۵. غرب‌زدگی

یکی از مشکلات دیرینه جوامع مسلمان، پیروی کورکورانه و بدون تفکر و تحلیل آنان از غرب است. آن‌ها توجه ندارند که اگر غرب به ارزش‌های انسانی زن می‌اندیشید، هرگز به برهنگی و استفاده ابزاری از او فکر نمی‌کرد. او را به‌عنوان موجودی نمی‌شناخت که می‌تواند مرد را ارضا کند و اگر نتواند از عهده این وظیفه برآید، به سرعت مطرود شود. از این‌رو، زن برای ایفای نقش یاد شده و حفظ بقای خود، با قدرت تمام، به آرایش و خودنمایی سرگرم شده است تا توجه مردان را به سوی خود جلب کند. زنان با این گرایش به‌گونه‌ای سردرگم شده‌اند که خود به دنبال شکارچیان خویش می‌دوند تا طعمه آنان گردند. این در حالی است که زن مسلمان، ارزشمندتر و والاتر از آن است که به‌دنبال سلوک غربی باشد و از زن غربی که از ماهیت انسانی خود تهی شده است، الگو برداری کند.

۶. پل زدن به ازدواج

برخی دختران، بدلباسی و خودنمایی خود را پلی برای رسیدن به ازدواج می‌پندارند. آنان گمان می‌کنند با بیرون ریختن مو از زیر روسری، پوشیدن لباس‌های زننده، آرایش‌های ناپسند و نشان دادن زیبایی‌های زنانه خود می‌توانند جوانان را به خود جذب کنند. اینان از این نکته غافلند که جوانان با همه اقبال و خوش‌رویی‌هایی که با ایشان داشته باشند، در پی ازدواج با آنان نخواهند بود. غالب جوانان در پی آنند که دختری را برای همسری خود برگزینند که طرح دوستی با جوان دیگری را در پرونده خود نداشته باشد.

جوانان بی تقوا از دختران خودنما برای لذت‌های زودگذر استقبال می‌کنند. در حقیقت، این دختران در چشم‌ها جای دارند، نه در دل‌ها. بنابراین، بدحجابی و ظاهرسازی، چشم‌انداز مناسبی برای ازدواج نیست و اگر هم ازدواجی به خاطر جاذبه‌های جنسی صورت پذیرد، بنیان محکمی نخواهد داشت.

۷. فخرفروشی

یکی دیگر از ریشه‌های خودنمایی، فخرفروشی است. بعضی از زنان دوست دارند دیگران رفاه مالی آنان را ببینند. بدین منظور، لباس‌های فاخر می‌پوشند و ارزش خود را در طلا و جواهرات می‌جویند. اینان از جدیدترین و شیک‌ترین لباس‌ها و جواهرات بهره می‌گیرند و می‌کوشند تا خود را برتر از دیگران نشان دهند و اندوخته‌های مالی خود را به رخ دیگران بکشند و به این عمل افتخار کنند. نخوت، غرور و فخرفروشی در رفتار آنان موج می‌زند و برای خود جایگاه ویژه‌ای قائلند. زنان و دختران اگر در دایره عقل و شرع حرکت نکنند، طبیعت آنان خواهان ظاهرسازی و جلوه‌گری جسمانی است.

۸. تبلیغات استعماری

زنان، توان اثرگذاری بالایی دارند و استعمارگران نیز از این نکته، بیش‌ترین بهره‌برداری را می‌کنند. اقبال لاهوری، درباره آگاه شدن زنان از فریب‌های تبلیغاتی استعمار گفته است: استعمار برای رواج فرهنگ برهنگی از راه کارهای گوناگونی بهره می‌برد که در این میان، زن مسلمان باید با هشیاری کامل، خود را از دام صیادان عفاف به دور دارد. عده‌ای از زنان فریب‌خورده در راه ترویج مدهای مبتذل در جامعه اسلامی، به مهره بی‌مزد و موجب استعمار تبدیل شده‌اند. اینان در حقیقت، سربازان تهاجم فرهنگی غربند که مشکلات گوناگونی مانند: نابسامانی روحی و خانوادگی، پای‌بند نبودن به ارزش‌های دینی و فقر و ناداری، آنان را به این روز انداخته است. (اکبری، ۱۳۸۸ ص ۱۶۰)

۹. وسوسه‌های شیطانی

شیطان با همه ارزش‌های الهی مخالف است و از گسترش گناهان و زشتی‌ها استقبال می‌کند و در این راه از هر ابزاری بهره می‌گیرد. شیطان با بررسی روحیه افراد، باورهای انحرافی‌اش را به شیوه‌های گوناگون عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی به آنان القا می‌کند. باید دانست گناهان کلیدی نزد شیطان، اولویت دارند؛ زیرا این نوع زشتی‌ها سبب اشاعه گناهان می‌گردد. شیطان از یک طرف دریافته است که صلاح و فساد زن در صلاح و فساد اجتماع نقش چشم‌گیری دارد و از طرف دیگر می‌داند که زنان به خودنمایی نزد دیگران علاقه‌مندند و این خودنمایی هم در اشاعه گناهان نقش کلیدی دارد. شیطان چنان در این مأموریت خود موفق عمل کرده است که برخی زنان باور کرده‌اند چنین معصیت‌های آشکاری، شاخص روشن‌فکری و نشانه پیشرفت است. هر کسی با کمترین واقع‌بینی، به سرعت درمی‌یابد که هوس‌رانی نه تنها نشانه روشن‌فکری و متمدن بودن نیست، بلکه قلب را تاریک و عقل را ضعیف می‌سازد و

جز از وسوسه‌های شیطان و نفس اماره بر نمی‌خیزد. بی‌حجابی، نتیجه متمدن بودن نیست، بلکه در غرایز جنسی و ضعف باورهای دینی ریشه دارد.

۱۰. سرزنش دیگران

یکی از ریشه‌های پوشش نامناسب، سرزنش هم‌کلاسی‌ها، دوستان و آشنایان و گاهی هم اعضای خانواده است. بسیاری از افراد با برخورداری از سلامت نفس، می‌خواهند حجاب و پوشش دینی کامل داشته باشند، ولی راهزنان پوشش به آن‌ها شبیخون می‌زنند و زبان به سرزنش می‌گشایند که تو چرا خود را محصور و آزادی خود را سلب می‌کنی.

۱۱. مدگرایی

مدگرا می‌کوشد همواره از تازه‌های لباس و آرایش آگاه شود و به هر قیمتی از آن‌ها بهره گیرد. مدگرایی کورکورانه، نتیجه غلبه شهوت و تنوع‌طلبی افراطی بر روح انسان است. شهوت لباس، افراد مدگرا را به اسارت مدسازان درآورده است. مدسازان پشت‌پرده که با بهره‌گیری از پژوهش‌های گسترده روان‌شناسی به طراحی مدهای جدید می‌پردازند، با طرح مدل‌های تحریک‌آمیز کفش، لباس و آرایش، مقلدان بی‌اراده را اغفال می‌کنند. یکی دیگر از ریشه‌های خودنمایی و بی‌حجابی، تقلید ناموجه از کسانی است که بنا به دلایلی از تقوای پوششی دور مانده‌اند. دلیل چنین تقلیدی را باید در ناآگاهی، ساده‌لوحی، هم‌رنگی با دوستان، چشم و هم‌چشمی، فریب خوردن و امثال آن‌ها جست‌وجو کرد. چنین افرادی بدون کمترین تفکر، عاقبت‌اندیشی و بررسی ماهیت پی‌آمد حکم شرعی رفتار خود، از دیگران تقلید می‌کنند. اگر آدمی بر اساس مصالح واقع‌بینانه و منافع همه جانبه خود تصمیم بگیرد، در چنین گردابی نخواهد افتاد. (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰ - ۱۸۰).

۱۲. ضعف غیرت

سست غیرتی سرپرست خانواده در گرایش به بی‌حجابی و سستی حیا و عفت زنان و دختران نقش بسزایی دارد. این روحیه منفی گاهی سبب می‌گردد وی با برخی توجیه‌های نفسانی بر بی‌حجابی و جلوه‌گری ناموس خود اصرار ورزد و چه بسا به آنجا رسد که به نمایش زیبایی‌ها و لباس‌های فاخر و زینت‌های گران‌بهای او بر دیگران فخر کند. برخوردهای چنین کسی با ادعای انسانیت و مردانگی او در تضاد است.

۱۳. عدم نظارت سیاست‌گذاران فرهنگی

یکی از وظیفه‌های مهم مسئولان فرهنگی کشور، نظارت بر مؤسسه‌های تولید پوشاک است که بسیاری از آن‌ها به مراکز مدسازی و دوخت لباس‌های مبتذل تبدیل شده‌اند. این مراکز، آزادانه و به دور از هرگونه نظارتی، لباس‌های غیرمعمول و غیرشرعی تولید می‌کنند و حتی لباس‌های کودکان و نوجوانان نیز از مدسازی اینان در امان نمانده است. نظارت بر فرآورده‌های فرهنگی، تولید و نمایش فیلم و رفتار بازیگران از

تبدیل شدن تلویزیون و سینمای کشور به صحنه ترویج مدهای غربی جلوگیری می‌کند. به این نکته هم باید اشاره کرد که بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، خانم‌هایی که حجاب شرعی را رعایت نمی‌کنند، مجرمند و کیفر خاصی برای این وضعیت در نظر گرفته شده است. با این حال، از تصویب صریح، جامع و متقن قوانین پوشش دینی که از ضروریات دین اسلام به شمار می‌رود، خبری نیست و خلأ آن بیش از پیش احساس می‌شود. دستگاه‌های اجرایی نیز در برخورد با پوشش‌های غیراسلامی و طراحی مد، سردرگم هستند و بیشتر اوقات، با بی‌اعتنایی از کنار این مسئله می‌گذرند.

۱۴. ضعف حیا

پوشش و حیا، تفکیک ناپذیرند. تا جلوه‌ای از حیا وجود نداشته باشد، پوشش را هم با جدیت مراعات نخواهد کرد. افراد باحیا کسانی هستند که با پوشش کامل، از نمایش بدن و زینت‌های خود شرم دارند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: "خدا، حیا و پوشیدگی بندگان را دوست دارد." (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۶۳) بی‌حیایی بعضی از جوان‌ها بیشتر در هم‌نشینی با دوستان بی‌حیا، تماشای فیلم‌های مبتذل، بی‌توجهی به ارزش والای عفت و حیا، ضدارزش ندانستن بی‌شرمی، فرهنگ نامناسب خانوادگی و بی‌قید و بندی پدر و مادر ریشه دارد. مسائل اخلاقی و تربیتی از ظرافت خاصی برخوردار است و از پایین‌ترین دوره سنی شکل می‌گیرند. اشتباه است که به مسائل تربیتی مربوط به شرم و حیا در دوران کودکی توجه نشود. آن‌گاه با فرارسیدن زمان تکلیف از آن‌ها خواسته شود تا یک‌باره در درون خود انقلاب برپا کنند. امور تربیتی، حقایقی هستند که باید به تدریج شکل گیرند. حجاب نیز یک فرهنگ است و باید به تدریج و در گذر زمان در روح و جان آدمی نهادینه شود. صفت ارزشمند حیا، ارزشی بزرگ به زن می‌بخشد و بی‌حیایی، او را از مقام انسانیت به زیر خواهد کشید. (اسحاقی، ۱۳۸۸، ص ۵۷)

۱۵. ضعف ایمان

بی‌هیچ شک و تردیدی، بی‌حجابی از فقر معرفت دینی نشأت می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین دلایل ضعف ایمان است. چنانچه مفاهیم ارزشی و دینی از کودکی به خوبی و به درستی تبیین شده و تلاش همگانی اعم از خانواده و مسئولان تربیتی مانند آموزش و پرورش بر تقویت معرفت دینی معطوف باشد و این مهم مورد غفلت و بی‌توجهی قرار نگیرد، پایه‌های دینی و اعتقادی نوجوانان و جوانانی که در معرض چنین تربیتی قرار داشته‌اند چنان قوی و عمیق است که هیچ عامل بیرونی نمی‌تواند تأثیری در باورهای معنوی و ارزشی آن‌ها گذاشته، انحرافی ایجاد کند.

۱۶. خانواده

خانواده از ارکان بسیار مهم تربیتی است که چنانچه مسئولیت خود را در راستای تربیت دینی و مذهبی، پایبندی به ارزشها، تعصب و غیرت و ... بخوبی انجام دهند، بسیاری از مشکلاتی که امروز دست به گریبان

جامعه است، وجود نخواهد داشت و حتی اگر امروز هم خانواده آگاه شده و وظیفه خود را در قبال فرزندان‌شان به خوبی به انجام برسانند، مشکلات کم کم رنگ باخته و بسیار کم می‌شوند. اما نکته‌ای که اینروزها به بسیاری از مسائل دامن می‌زند، سطحی‌نگری خانواده‌هایی است که با رویکرد هم‌رنگ جماعت شدن و یا اینکه وقتی همه، کاری را بکنند دیگر قبحی در کار نیست، بسیاری از ارزشهای خود را زیر پا می‌گذارند و به همین دلیل نیز ابایی از تماشای بی بندوباریهای برنامه‌های ماهواره‌ای برای خود و فرزندان‌شان قائل نبوده، تغییرات پوششی، رفتاری و گفتاری فرزندان‌شان را به پای تغییر زمان گذاشته و به سادگی از کنار آن می‌گذرند، غافل از اینکه چه جفا و خیانتی در حق خود، فرزندان و جامعه روا می‌دارند. چه بسا اگر خانواده در سطح کوچکتر دقت نظر بیشتری بر رفتار فرزندان‌شان داشته و هوشمندانه روشنگری کنند، بسیاری از مسائل در سطح کلان جامعه خودنمایی نخواهد کرد. (اسحاقی، ۱۳۸۸، ص ۶۶)

۱۷. خودنمایی و جلوه‌گری

از آنجا که انسان همواره به دنبال کسب موقعیت، محبوبیت و مورد توجه بودن است، گاهی دیده می‌شود برخی افراد سست‌عنصری که به لحاظ اجتماعی نیز موقعیت مناسبی ندارند، برای جلب توجه بیشتر و به نوعی مرکز توجه قرار گرفتن بدنبال کسب موقعیتهای کاذب هستند. در این راستا این گروه به ظاهر خود بیش از حد توجه می‌کنند تا به خیال خود، کمبودهای ارزشی خود را پشت ظاهر فریبنده پنهان کنند، این افراط در جلوه‌گیری‌ها، در نهایت به شکل‌های ناشایستی نمود یافته و نتایج منفی آن به خوبی قابل پیش‌بینی است.

۱۸. گسترش ارتباطات

یکی از تبعات گسترش ارتباطات، ورود ماهواره به خانه‌ها و تماشای زندگی به سبک غربی از سوی خانواده‌هایی است که ضعفهای معرفتی بسیاری داشته، از نتایج منفی بی بند و باریهای نمایش داده شده در برنامه‌های ماهواره‌ای غافل بوده و تنها در نهایت سطح‌نگری به این فکر می‌کنند که هر روز با گرفتن یک الگو از برنامه‌هایی که می‌بینند و نمایش آن در میان دوستان و آشنایان، به اصطلاح برای خود وجهه‌ای امروزی تعریف کنند. این گروه غافل هستند آنچه در برنامه‌های تلویزیونی غربی دیده می‌شود، همه زندگی آن‌ها و بویژه همه زندگی افراد موفق و معتبر نیست. البته با کمی دقت و تأمل بیشتر در بطن زندگی حقیقی آن‌ها، خارج از فضای فیلمها و سریالها، بخوبی آشکار می‌شود که خودشان از بی بندوباری‌ها و ناامنیهای اخلاقی و خانوادگی ایجاد شده به ستوه آمده، با طرح‌ها و ایده‌هایی جدید در پی رفع چالشهای پیش آمده هستند. بعنوان مثال جدا کردن مدارس دخترانه و پسرانه یکی از راهکارهایی است که برای رفع بسیاری از معضلات و مشکلات تداخل موجود ارائه شده پیگیری می‌شود. اگر کمی تأمل کنیم، اصلاً عاقلانه نیست دنباله رو کسانی باشیم که خود در حل مسائل و مشکلاتشان درمانده هستند و هرآنچه را امروز ما

در پی تقلید و پیاده کردن آن‌ها در خانواده و اجتماع خود هستیم، خود غریبه‌ها به عنوان معضل با آن‌ها برخورد و در پی راهکار هستند.

۱۹. اظهار غنای مالی

بدحجابی گاهی نیز ریشه در فخرفروشی دارد و فرد بدحجاب در تلاش است به هر شکل ممکن خود را متمایز و برتر از دیگران نشان دهد. (اسحاقی، ۱۳۸۸، ص ۶۸)

نتیجه‌گیری

پرداختن به انحرافات و آسیب‌های اجتماعی-دینی به ویژه پوشش مناسب همواره توجه پژوهشگران و محققان دینی و غیر دینی را به خود جلب نموده و کتاب‌ها و مقالات و آثار متعددی تدوین، تنظیم و به مخاطبان ارائه گردیده است. واژه‌ی پوشش نامناسب و بدحجاب، در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب طرح و تکرار شده است. تا قبل از پیروزی انقلاب در برابر واژه‌ی با حجاب از عبارت بی حجاب استفاده می‌شد. کسانی بی حجاب تلقی می‌شدند که از روسری و یا چادر برای پوشاندن حتی بخشی از موهای سر استفاده نمی‌کردند و نیز از لباس‌های کوتاه و بدن نما به عنوان پوشش استفاده می‌کردند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اکثریت بانوان به استفاده از حجاب و پوشش اسلامی روی آوردند و اقلیتی نیز ضمن استفاده از روسری و تن پوش‌ها و حتی چادر، حدود شرعی پوشش و رفتار و گفتار با نامحرم را رعایت نمی‌کردند. این معضل و ناهنجاری (در پوشش) در سال‌های اخیر بنا به دلایلی رو به گسترش بیشتری نهاده و به عنوان یک تهدید برای تحکیم خانواده‌ها و امنیت فرهنگی و اخلاقی جامعه مورد توجه و تاکید مراجع ذی ربط قرار گرفته است.

بنابراین در بازکاوی عوامل عمده‌ی بدحجابی و پوشش نامناسب نمی‌توان از نهادها، پدیده‌ها و عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، هنری، علمی و آموزشی غفلت ورزید و به چند مقوله‌ی مرتبط اکتفا نمود. عوامل بدحجابی و پوشش نامناسب، در یک تقسیم بندی کلان به دو عامل عمده تقسیم می‌شود: ۱. عوامل داخلی بدون شک بازشناسی و بازکاوی عوامل زمینه ساز ایجاد و گسترش ناهنجاری‌ها و ضد ارزش‌ها در داخل کشور از اصلی‌ترین پیش شرط‌های آسیب زدایی و بستر سازی برای مقابله با عوامل خارجی آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها به شمار می‌آید. چرا که ساختار جامعه‌ی انسانی همچون ساختمان بدن انسان بوده و میزان صحت و سلامت و قدرت آن به میزان موفقیت مردم و متولیان امر در ریشه کن نمودن ویروس‌ها و عوامل آسیب زای داخلی بستگی تام و تمام دارد. همان طور که ساختمان بدن انسان در صورت ضعف و اختلال در فرآیند حیات سلول‌ها در برابر میکروب‌ها و عوامل خارجی آسیب پذیر خواهد شد، یک جامعه‌ی انسانی نیز در صورت پیدایی و تکوین ضعف‌ها، کاستی‌ها و اختلالات در پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به طور قهری و طبیعی از عوامل خارجی نیز صدمه خواهد دید. باعنایت به این مهم ذیلاً

عمده‌ترین عوامل داخلی بدحجابی به عنوان یکی از ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم:

۱- فقدان راهبردی مشخص و مدون در حوزه برخورد با مسائل فرهنگی تا آشنایی با عوامل کلان تأثیرگذار ما را در کنترل این تأثیرات یاری رساند. اجتماعی جامعه از جمله مسئله ی فساد و بدحجابی: این کاستی مهم و کلیدی که از اوان انقلاب تاکنون باعث پیدایی و تکوین بسیاری از ناهنجاری‌ها در کشور گردیده است، مردم و مسئولان در طراحی و تدوین و اجرای تقنینی، قضایی و اجرایی مبتنی بر راهبرد کلان فرهنگی - اجتماعی کشور را دچار سردرگمی، دوباره کاری و اقدامات موازی و بعضاً متضاد نموده است.

۲- خانواده؛ به تحقیق نخستین و مؤثرترین محیط آموزشی و تربیتی انسان، محیط خانوادگی و اولین مربیان و معلمان او پدر و مادر می‌باشند. خانواده به مثابه هسته‌ی اصلی و اولیه‌ی جامعه بوده و حالات فکری و روانی انسان را شکل می‌دهد. خانواده با کودک از تولد تا سالیانی چند در تماسی مستقیم و انحصاری می‌باشد. کودک در محیط خانواده طریقه‌ی خوردن، نحوه‌ی سخن گفتن، لباس پوشیدن، راه رفتن را می‌آموزد، سلسله اعصاب و مغز و ذهن حساس و ظریف کودک از همان آغاز ولادت مانند دستگاهی دقیق از صحنه‌ها، حوادث، رفتار و اعمال و حالات پدر و مادر فیلمبرداری نموده و افکار و رفتار و عقاید خود را شکل می‌دهد. عدم رعایت پوشش اسلامی از سوی مادر و ارتباط پدر و مادر با نامحرم بدون عنایت به موازین اخلاقی و اسلامی به شدت در کاهش حساسیت‌های اعضای خانواده به ویژه فرزندان نسبت به هنجارها و ارزش‌های دینی تأثیرگذار خواهد بود. بر اساس تحقیقات به عمل آمده، خانواده‌ی اکثر قریب به اتفاق دختران و زنان بدحجاب و بزهکار یک یا چند ویژگی ذیل را داشته‌اند:

۱ - از هم پاشیدگی کانون خانواده، اعم از آن که ناقص یا کامل، اتفاقی یا ارادی (بر اثر طلاق، جدایی یا ترک و ...) اتفاق افتاده باشد.

عدم مراقبت والدین از فرزندان در اثر جهالت، گرفتاری و یا نقیصه‌های جسمی، حسی یا عاطفی.

۲- اعتیاد، بزهکاری و انحراف یک یا چند عضو خانواده.

۳- فضای نامطلوب خانوادگی در اثر تبعیض و تحقیر اعضای خانواده به ویژه مادر و فرزندان دختر و یا نازپروردگی و خشونت، حسادت، کثرت عائله و ...

۴- اختلافات مذهبی یا نژادی، ناهماهنگی در اصول تربیتی.

۵- ضعف اعتقادات دینی و عدم حضور و مشارکت پدر و مادر در مراسم و اجتماعات مذهبی.

۶- رفاه بیش از حد و درآمدهای نامشروع و بادآورده.

۷- فقر، بیکاری و مشکلات شدید مالی. در جایگاه و نقش خانواده بر نحوه‌ی پوشش و طرز رفتار و گفتار و آداب معاشرت فرزندان همین بس که در رژیم فاسد پهلوی به رغم تبدیل شدن بی حجابی به عنوان هنجار اجتماعی، لیکن برخی پدران و مادران توانستند در سایه‌ی عفاف و حجاب و اخلاق دینی فرزندان پاک، متدین و پای بند به ارزش‌های اسلامی (از جمله پوشش اسلامی) را تربیت نموده و تحویل جامعه دهند. در این میان مادر به جهت برخورداری از موقعیت ویژه و استثنایی در مقایسه با سایر اعضای خانواده تأثیر فوق‌العاده‌ای را در تعیین رویکرد فرزندان به مسئله‌ی حجاب و پوشش و اخلاق اسلامی دارد. چرا که نه ماه ارتزاق از جان و جوهر مادر (در رحم) و حدود دو سال تغذیه از شیرهی وجودی مادر و ارتباط تقریباً انحصاری مادر با کودک در این دوره (حدود ۳ ساله) باعث گردیده مادر حتی در مقایسه با پدر از نقش مهم‌تر و عمیق‌تری در گرایش فرزندان به امور اخلاقی، تربیتی و پذیرش عفاف و حجاب به عنوان مؤلفه ممتاز زن مسلمان از سوی دختران جوان برخوردار باشد. اینجاست که رسول گرامی اسلام می‌فرماید: سعادت و شقاوت هر کس از زمانی شروع می‌شود که در رحم مادر زندگی می‌کند. بنابراین بسیاری از مفاسد اخلاقی و رفتارهای ناپه‌نجان، نظیر زنا، بی‌عفتی، بدحجابی و ... ثمره‌ی تلخ نهالی است که ریشه‌اش در میان خانواده‌های بی‌ایمان و بی‌اعتقاد و لاپابالی (به طور اعم) و مادران بی‌توجه به دین و ارزش‌های اخلاقی (به طور اخص) رشد نموده است.

پیشنهادات تحقیق

باتوجه به یافته‌های این تحقیق راهکارهای زیر جهت توسعه فرهنگ ارزشمند حجاب و پوشش نامناسب و مقابله با بدحجابی مطرح می‌گردد:

- ۱- آموزش، ساماندهی، توجه و بکارگیری مدیران، معلمان و همه پرسنل مدارس جهت ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در بین دانش‌آموزان و سازمان‌های مربوط نظیر بسیج، انجمن‌های اسلامی و ...
- ۲- انجام تحقیقات لازم در مورد بسط حیا و عفاف در مدارس به منظور اجرای برنامه‌های فرهنگی، تربیتی و پرورشی در آن.
- ۳- گنجاندن موضوع عفاف و حجاب از دیدگاه آیات و روایات همراه با تبیین ضرورت و فلسفه آن برای دانش‌آموزان در کتب درسی همه مقاطع تحصیلی.
- ۴- اهتمام به مثبت‌نگری و زیبانندیشی در مورد فرهنگ عفاف و حجاب در تألیف کتب درسی.
- ۵- اجرای مسابقات فرهنگی - هنری و علمی با هدف جهت دهی به افکار نسل جوان با موضوع حجاب و عفاف و نظرسنجی از جوانان در تهیه طرح‌ها و برنامه‌های مناسب در زمینه حجاب.

- ۶- تجلیل از دختران و پسران نخبه و ممتاز (با توجه به ملاک‌های حجاب و عفاف و علم) و برگزاری مسابقات و معرفی افراد نمونه با توجه به ویژگی‌های الگویی آن‌ها در زمینه پوشش.
- ۷- آموزش احکام شرعی عفاف و حجاب و برگزاری کلاس‌های دانش‌افزایی برای والدین (خصوصاً مادران) و توجه آن‌ها نسبت به رعایت حریم عفاف در خانه و محیط‌های اجتماعی از طریق انجمن اولیا و مربیان.
- ۸- تأکید بر ضرورت رعایت پوشش و الگوی مدهای اسلامی و ترویج الگوهای بایسته در پوشش دانش‌آموزان و همه کادر مدرسه و آرایش نکردن در مدارس.
- ۹- تعیین رنگ‌ها و مدل‌های متنوع در پوشش دانش‌آموزان با رعایت موازین و ضوابط شرعی جهت تأمین سلاقی مختلف.
- ۱۰- محرم‌سازی محیط‌های آموزشی و پرورشی و اداری به منظور ایجاد زمینه بروز نیازهای دختران با حفظ سادگی و موازین و ضوابط شرعی برای جلوگیری از خودنمایی آن‌ها در مجامع عمومی.
- ۱۱- آشنا کردن جوانان - خصوصاً دختران - برای شناخت توطئه‌ها، زمینه‌ها، روش‌ها و مجاری نفوذ فرهنگ غربی از طریق مدارس.
- ۱۲- آشنا کردن خانواده‌ها و جوانان با اصول ازدواج آسان و تشکیل خانواده در سنین پایین‌تر با توجه به شرایط اقتصادی جامعه از طریق کتب درسی.
- ۱۳- استفاده از شعرخوانی، قصه‌گویی و نقاشی در مقاطع پیش‌دبستانی و مهد کودک جهت آشنا کردن کودکان با فرهنگ عفاف و حجاب.
- ۱۴- معرفی و تشویق نمونه‌های عینی از اساتید، مربیان، نورات اول کنکور، المپیادی‌ها و خانواده‌ها ایثارگران و ... از نظر رعایت مظاهر عفاف و حجاب در مدارس.
- ۱۵- انعکاس موفقیت‌های دانش‌آموزان - خصوصاً دختران - در ابعاد مختلف با هدف ارتقای شخصیت و منزلت اجتماعی آن‌ها.
- ۱۶- آموزش معیارهای رفتار صحیح زن و مرد جهت برقراری روابط انسانی و اجتماعی متعادل در خانواده و جامعه از طریق کتب درسی.
- ۱۷- تهیه و تدوین نشر کتب، مقالات و جزوات تخصصی در راستای تقویت بنیه اعتقادی و دینی در جهت توسعه فرهنگ عفاف در بین والدین دانش‌آموزان توسط انجمن اولیا و مربیان.
- ۱۸- غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان - با تأکید بر فرهنگ عفاف و حجاب - از طریق استفاده از توانمندی‌های تشکلی‌های دانش‌آموزی.

منابع

قرآن کریم

- آزادار مکی، تقی، (۱۳۷۷) بررسی مسائل اجتماعی، نشر جهاد دانشگاهی.
- احمدی کشتلی، مرتضی (۱۳۸۴)، «فرهنگ پوشش و آراستگی»، همایش: تجلی فرهنگ. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد مهاباد.
- اکبری، محمدرضا (۱۳۷۵)، حجاب و تحلیل نو و عملی از حجاب در عصر حاضر. محل نگهداری گزارش: وزارت کشور، استانداری اصفهان، کمیسیون امور بانوان.
- باقری خوزانی، محمدحسین (۱۳۸۲)، «دین و سیاست در عصر جهانی شدن، چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران»؛ به راهنمایی: ناصر جمال‌زاده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، ۱۳۸۲.
- بابایی، فاطمه (۱۳۸۰)، تعدیل ساختاری و فقر و ناهنجاریهای اجتماعی، انتشارات کویر.
- بهروش، رسول (۱۳۹۰)، آمار طلاق، پایگاه اطلاع رسانی روزنامه قدس.
- براتی، مریم (۱۳۷۳)، سیاست‌های انحطاط آفرین "تغییر لباس و مصرف‌گرایی". محل نگهداری گزارش: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
- بشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، «چگونه از آسیب‌های دین‌گریزی در جوانان جلوگیری کنیم؟»
- پویا، علی‌رضا (شهریور ۱۳۸۰)، «ارزیابی و آسیب‌شناسی نقش رسانه‌ها در گسترش فرهنگ نماز»، نشریه گلستان قرآن.
- حسن‌زاده، رمضان (۱۳۸۲)، «روش‌های تحقیق در علوم رفتاری»، تهران، نشر ساوالان.
- حسن‌پور، جعفر (۱۳۷۳)، "بررسی نگرشی دانش‌آموزان دختر متوسطه استان نسبت به حجاب" محل نگهداری گزارش: وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران.
- خبرگزاری آفتاب (۱۳۹۰)، سازمان ثبت احوال کشور، آمار طلاق در ایران.
- رضایی‌پور، اکبر (۱۳۸۷/۶/۲۸)، «آسیب‌شناسی اقامه نماز»، نشریه مردم‌سالاری.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸) آنومی یا آشفتگی اجتماعی، انتشارات سروش.
- ریعان، معصومه (۱۳۷۸)، "حجاب اسلامی ظهور تهذیب اجتماعی" کنگره جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام خمینی (ره). ۸-۶ مهر ۱۳۷۸. تهران. World congress on role and status of women from imam khomeini's point of view (های) برگزارکننده: ستاد برگزاری یکصدمین سال میلاد امام خمینی (س) / کمیته بانوان.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۷۹)، ما چگونه ما شدیم، نشر روزنه.

- زارع‌زاده، فاطمه (۱۳۷۳)، "بررسی عوامل مؤثر در رعایت حجاب دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در شهر یزد" محل نگهداری گزارش: وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- دلاور، علی (۱۳۸۱)، «روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی»، تهران، نشر ویرایش.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸)، "اصول و مبانی روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی"، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶)، طلاق - پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، انتشارات دانشگاه تهران.
- عنایت، حلیمه (۱۳۷۶)، "بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر حجاب و گرایش به حجاب دختران دانش‌آموز دبیرستانی شهر شیراز" وزارت کشور، دفتر امور بانوان.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۷)، "آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی" انتشارات عابد: تهران.
- گلچین، منیژه (۱۳۷۰)، "مفاد دستورالعمل حجاب در نگاه دختران دانش‌آموز" محل نگهداری گزارش: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، دفتر مشاوره و تحقیق.
- فاضل، دکتر رضا (۱۳۸۹)، "روش تحقیق در علوم اجتماعی"، تهران: رسانش.
- قزایی مقدم، امان (۱۳۹۰)، کاهش ازدواج مسئله اشتغال و اقتصاد و طلاق، مرکزی اطلاع رسانی شفاف.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، دارالکتب اسلامی، تهران.
- لزومی، حسن (۸۶/۵/۱۱)، «آسیب‌شناسی نماز جمعه»، روزنامه کیهان.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، «فرهنگ فارسی ج ۲»، تهران، امیرکبیر.
- محبی، فاطمه و سمیعی، زهره (۱۳۸۱) آسیب‌شناسی اجتماعی زنان، تهران، کتاب زنان: فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان.